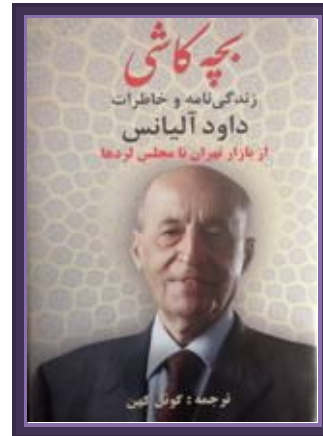
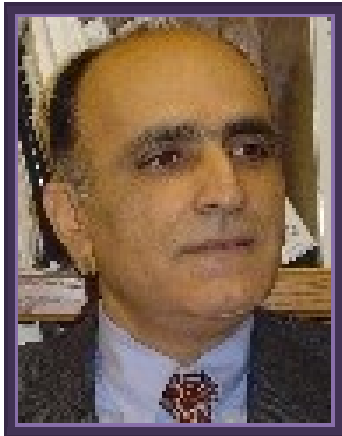


کتاب «بچه کاشی»، خاطرات داوود آلیانس

ترجمه گوئل کهن

چاپ موسسه ساتراپ لندن



انتشار خاطرات لرد داوود آلیانس یکی از رویدادهای مهم سال های اخیر در زمینه خاطره نویسی ایرانیان ساکن در خارج از کشور به شمار می رود.

پروفسور گوئل کهن، استاد و محقق که نامی معتبر در زمینه های تحقیقی علوم شیمی، مدیریت، و تاریخ نگاری مدرن ایران است و ترجمه این خاطرات به همت ایشان انجام شده، در مقدمه می نویسد:

"صراحت و صداقت آلیانس در بیان هنرنمایی ها و پستی و بلندی های زندگی پر ماجرایش باعث شده تا این کتاب را بی اغراق، نمادی از چالشگری و موفقیت در «فضای آزاد» قلمداد کنیم؛ زیرا به روشنی نمایانگر این اصل است که چگونه توانمندی ها و لیاقت های نهفته انسان می تواند در محیط مناسب شکوفا شده و امکان ظهور یابد."

این کتاب پیشتر به زبان انگلیسی با عنوان «یک زندگی بازاری» انتشار یافت، اما ترجمه استادانه دکتر کهن آنرا به فضای ایرانی وارد کرده و نسخه فارسی را با توضیحات دقیق تری همراه ساخته است.

کتاب «بچه کاشی» در ۶۰۰ صفحه شامل ۲۷ فصل و عکس‌های متعدد و فهرست کاملی از نام‌های ارائه شده در کتاب است. به گفتهٔ پروفیسور کهن در مقدمه، علت نام‌گذاری «یک زندگی بازاری» بر اصل کتاب به زبان انگلیسی، اعتقاد نویسنده به این است که هر چه می‌داند و هر تخصصی که یافته، به همان چهار سال دوره نوجوانی‌اش بر می‌گردد که در بازار تهران شاغل بوده است.

در این کتاب ماجرای اعطای لقب «لُرد» به داود آلیانس نیز شرح داده می‌شود. آلیانس برای اولین بار در تاریخ بریتانیا به دلیل محبوبیت در میان کارگران نساجی که اشتغال خود را مدیون احیای صنعت نساجی توسط آلیانس می‌دیدند، این لقب به توصیهٔ اتحادیه‌های کارگری به داوود آلیانس داده می‌شود.

در نوشته‌ای که در کیهان لندن به مناسبت رونمایی این خاطرات در کتابخانهٔ ایرانیان لندن منتشر شد، آمده است:

"به دنبال نامه‌نگاری‌های فراوان با نخست وزیر وقت، مارگارت تاچر، اتحادیه‌های سراسری نساجی تقاضا کرده بودند که از طرف ملکه لقب «لُرد» به داود آلیانس اعطا شود. نکتهٔ دیگر آنکه در زمان تاچر که بریتانیا دستخوش اعتصاب‌های کارگری زیادی بود، کارگران کارخانه‌های آلیانس دست به اعتصاب نزدند. یعنی وی همیشه در کنار و همراه با کارگران خود و اساساً مانند آنان کار کرده و از دست زدن به کارهای شاق هیچ ابایی نداشته است.

"علاوه بر این، وی به وضعیت کار و زندگی کارگران خود همواره رسیدگی کرده و شرایط معیشتی خوبی را برای آنان فراهم کرده است. در یک کلام، هم کار خوب خواسته و هم امکانات خوب در اختیار کارگران خود قرار داده است. بنابراین عجیب نیست که داود آلیانس از نظر عقاید سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یک سوسیال دموکرات و مورد حمایت اتحادیه کارگری است. این موضوع احتمالاً به دورانی که او زندگی سخت و فقیرانه‌ای در منچستر داشته بر می‌گردد که هیچ‌وقت آن دوران را فراموش نکرده است.

"وی همواره سعی کرده که رابطه مثبتی با کارگانش و اتحادیه‌های کارگری داشته باشد. البته چنانکه خود در مراسم رونمایی کتاب تصریح کرد در مواقعی هم به منظور «بهینه‌سازی» کارخانه‌هایی که در اختیار می‌گرفته، مجبور به کاستن نیروی کار و اخراج کارگران و کارکنان هم می‌شده است".



فصل اول کتاب "کاشان" نام دارد ولی از تهران شروع می شود:

"آخرین روز مدرسه ام بدطوری شروع شد و به بدترین روز زندگی ام تبدیل شد."

او شرح می دهد که در آخر سال پایانی مدرسه ابتدایی که همه در حیاط مدرسه جمع شده بودند و آقای مطلوب، مدیر مدرسه اسامی قبول شدگان را اعلام می کرده، اسم او اعلام نمی شود و او دلشکسته و نا امید از راه یافتن به دبیرستان به طرف بازار می رود. ولی سر راه خواهرش خبر قبولی اش را به او می دهد و او با عجله به مدرسه برمی گردد، کارنامه اش را می گیرد و خوشحال به خانه می رود.

و در خانه: پدرم مرا به اتاق برد، در را بست و مرا رو به روی خود نشاند. دل تو دلم نبود می دونستم که باید کار خطایی کرده باشم و در حالی که کارنامه ام را با افتخار در مشتم گرفته بودم آماده بودم که از خودم و بی گناهی ام دفاع کنم .

پدر نباید از دست من عصبانی باشی، تو گفتی که من نمی تونم قبول بشم ولی شدم و حالا می تونم به دبیرستان برم، چرا به جای اینکه به من پاداش بدی از دست من عصبانی هستی ؟

آلیانس در ادامه شرح می دهد که چطور چهره پدرش به یکباره عوض شد و با خوشرویی به او می گوید:

می خواهم بهترین هدیه ای که تا به حال داشتی را به تو بدهم. دوچرخه می خواهی؟
ساعت می خواهی؟

ولی پدرش بی مقدمه می گوید:

از امروز دیگر صنار هم به تو نمی دهم، اگر اینها را می خواهی باید برایش کار کنی.

در نوشته ای که در کیهان لندن به مناسبت رونمایی این خاطرات منتشر شد آمده است:

"آلیانس می گوید شاید این گفت و گوی کوتاه به تنهایی آینده اش را رقم زده باشد و شوکی که آن روز از این بی عدالتی بر او وارد شد را بعد از هفتاد سال هنوز هم حس می کند و با جزئیات در خاطرش باقی مانده است. اقدام پدر البته به آنجا ختم نشد و از آن روز او را از مدرسه می گیرد و برای کار به بازار می فرست. می گوید سال ها طول کشید تا توانست پدرش را ببخشد و بعد ها فهمید که پدرش خلق و خوی و استعداد او را شناخته بود و با آن تصمیم در حقیقت خیر او را می خواست. از آن روز بود که داوود سیزده ساله تصمیم می گیرد که روی پای خودش بایستد و دستش را نه فقط پیش پدرش بلکه پیش هیچ کس دراز نکند. تصمیمی که می گوید حتی در دوران سخت نداری و گاهی بی خانمانی در منچستر هم به آن پای بند مانده است.

"انگیزه آمدن آلیانس به منچستر صدور پارچه به بازار تهران و کسب تجربه در مورد محصولات نساجی منچستر بود که در آن زمان در ایران طرفداران زیادی داشت. البته دایه های او قبل از جنگ جهانی اول، از کاشان به منچستر آمده و کم کم در صنعت و تجارت پیشرفت کرده و موفق شده بودند. آلیانس هر چند ساکن منچستر می شود اما به شدت مصمم است که روی پای خود بایستد و از آنها کمک مالی قبول نمی کند.

"آلیانس با تکیه بر همین پیگیری در ۲۴ سالگی اولین کارخانه نساجی را در منطقه صنعتی - کارگری «یورکشایر» در اختیار می گیرد. این همان کارخانه ای است که او مدت زیادی برای خرید اجناس به انبار آن مراجعه می کرده تا با خرید و فروش آنها بتواند سودی اندکی به دست آورد، اما مدیران کارخانه حتی در را به روی وی باز نمی کردند. با این حال او «... حاکمیت

هوشمندانه خود را بر این صنعت در کمتر از دو دهه بعد، آنچنان مستحکم می‌سازد که هم عنوان «سلطان صنعت نساجی» انگلستان را به خود اختصاص می‌دهد و هم...» (از مقدمه ترجمه فارسی کتاب).

"آلیانس هر چند تحصیلات دانشگاهی در هیچ یک از زمینه‌های مهندسی و مدیریت یا اقتصاد و تولید صنعتی ندارد، ولی با تلاش و پشتکار به جایی می‌رسد که برای ایراد سخنرانی‌های تخصصی و راهبردی او را به مراکز علمی-صنعتی و به ویژه دانشگاه منچستر دعوت می‌کنند.

"آلیانس در کنار تسلط یافتن بر مدیریت صنعتی، حسابداری را نیز با پیگیری خاص خود از حسابداریش فرا می‌گیرد. در بسیاری از زمینه‌های نساجی او همواره به دنبال کشف و ابداع بوده است. در کنار انواع تولیدات از پارچه‌های معمولی، حوله، پوشاک و توانسته پارچه‌های چتر پرش برای نیروی هوایی بسیاری ممالک و از جمله ارتش بریتانیا تولید کند.

"مشارکت در امور خیریه و فرهنگی و پزشکی نیز بخش دیگری از واقعیات زندگی و فعالیت‌های عام‌المنفعه داود آلیانس است. وی در سوانح طبیعی مانند سیل‌ها و زلزله‌ها در چند دهه اخیر و نیز جنگ ایران و عراق، موفق به کمک‌رسانی شده و با ارسال پوشاک، پتو، چادر و غیره به ایران تعلق خاطر شدید خود به ایران را نشان داده است. در این زمینه باید به ایجاد کتابخانه در فین کاشان، فراهم ساختن امکانات کامپیوتری برای مدارس کاشان و مرمت و بازسازی یک زیارتگاه یهودی بسیار قدیمی در کاشان نیز اشاره شود. او ضمن حفظ حرمت کشور میزبان، بریتانیا، که مدت ۶۵ سال در آن زیسته و فعالیت کرده است، هنوز به ریشه‌ها و هویت یهودی-ایرانی خود وفادار مانده است. آلیانس علاقه شدیدی به زادگاه خود، کاشان، دارد و می‌گوید که هر شب با رویای کاشان و باغ‌های فین به خواب می‌رود. در خانه‌اش هم آثار ایرانی، جنبه غالب را دارند".